



بررسی و تحلیل خودبینی و فروتنی از دیدگاه امام علی (ع)

سکینه صارمی گروی^۱، امیر مقدم متقی^۲

چکیده

اساس بسیاری از کمالات فروتنی و افتادگی است و روح فروتنی نیز، بندگی و کرنش در برابر خداوند است. تا بندگی و انقیاد پروردگار نباشد، مراحل دیگر فروتنی ممکن نمی‌گردد. انسان باید رابطه خود را با خدا، به گونه‌ای تنظیم کند که تمامی اعمال و رفتارش رنگ عبودیت و تسلیم بگیرد و پیوسته خود را در برابر قدرتی لایتنهایی و عظمتی بی‌کران، مشاهده نماید. براساس این اعتقاد و باور درونی، آنچنان، خاکسار و فروتن باشد که جز تسلیم و سرسپردگی در مقابل خداوند و اطاعت از قانون الهی و پایبندی به مقررات و حدود شرعی، اندیشه دیگری او را به خود مشغول ندارد. با چنین دیدی انسان در برابر خداوند، همچون قطره‌ای در برابر دریای بی‌کران، احساس حقارت و فروتنی می‌کند و هیچ‌گاه گرفتار غرور و خودبینی نمی‌گردد. از جمله مسائلی که باید آن را مورد توجه قرار داد، دوری از خودبینی و غرور در زندگی است. خودبینی یکی از رذایل اخلاقی به معنی خود را بزرگ پنداشتن است و اگر کسی به بیماری خودبینی مبتلا شود و از دیگران انتظار احترام و اکرام داشته باشد و فخر فروشی کند متکبر است. بنابراین خودبینی نوعی خودشناسی نادرست است که به رفتاری نادرست با دیگران می‌انجامد. در مقابل تکبر، می‌توان از فروتنی یاد کرد که یکی از صفات پسندیده مؤمن به معنی فروتنی و خشوع می‌باشد اگر مسلمانی فروتن نباشد نمی‌تواند خدای خود را عبادت کند. در رابطه با خودبینی و فروتنی سخنان زیادی در قرآن کریم، احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) آمده است که به سفارشات ارزشمندی در این زمینه اشاره می‌کنند. در این مقاله سعی بر آن است با تکیه بر کتبی چون نهج‌البلاغه، غرر الحکم و درر الکلم به بررسی دیدگاه‌های امام علی (ع) در باب وجوب پرهیز از خودبینی و خودبینی و در مقابل تشویق به فروتنی و تواضع، خصوصیات افراد خودبین و فروتن، اثرات خودبینی و فخر فروشی و سپس به بیان اثرات فروتنی و راه‌های مبارزه با خودبینی پرداخته شود.

کلید واژه: امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، خودبینی، فروتنی

مقدمه

تکبر یکی از آثار خودبینی است کسی که خود را برتر از دیگران می‌داند و به آنان بزرگی خواهد فروخت از آنان انتظار بزرگداشت و خدمت خواهد داشت و گاه از مصاحبت و همراهی با دیگران پرهیز خواهد کرد این گونه اعمال خودبینی نام دارد فرد متکبر دچار ضعف رابطه‌ی معرفتی انسان با خداوند است، چرا که کمالات موجود در خود را

۱. دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد- s.saremi66@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد- a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir





بزرگ می‌شمارد آن کمالات را مرهون خداوند نمی‌داند؛ گویی خود پدید آورنده‌ی آن‌هاست. در مقابل شخص فروتن دچار چنین خطاهایی نمی‌شود و همه چیز را ناشی از لطف و اراده‌ی خداوند می‌داند و هر لحظه ممکن است این کمالات نابود شوند. با اعتقاد به وابستگی این کمالات به خداوند عجب از میان می‌رود و راه خودبینی و غرور بسته می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) سخنان زیادی در این زمینه متذکر می‌شوند؛ که از آن جمله می‌توان به سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه اشاره کرد. پیرامون این موضوع مقالاتی چون، انواع تکبر، نشانه‌های افراد فروتن و انواع آن پرداخته شده است. در این مقاله سعی بر آن است تا به سؤالات پدید آمده در ذهن در این باب پاسخ داده شود؛

۱- اینکه چرا امام (ع) تکبر را مورد نکوهش قرار داده و در مقابل به فروتنی تشویق می‌کند؟

۲- خصوصیات افراد متکبر و فروتن چیست؟

۳- اثرات خودبینی و فروتنی کدامند؟

۴- پیامد و راه‌های مبارزه با غرور چیست؟

هدف از این مقاله پاسخ‌گویی به این سؤالات با تکیه بر کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌باشد.

۱- وجوب پرهیز از خودبینی

از جمله مواردی که امام علی (ع) در نهج البلاغه به آن اشاره می‌کند تشویق فرد به کنار گذاشتن صفت ناپسند اخلاقی خودبینی و غرور است اینکه فرد باید فخر فروشی را رها کرده و مرگ را به یاد داشته باشد. آن چنان که در حکمت ۳۹۸ بدان اشاره می‌کند «**ضع فخرک، واحطط کبرک، واذکر، قبرک**» (حکمت ۳۹۸). فخر فروشی را کنار بگذار و تکبر را فرو نه و به یاد قبرت باش (دستی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)

امام (ع) در نامه‌ی ۳۱ خود بزرگ‌بینی را آفت عقل و مخالف راستی می‌داند و آدمی را مورد خطاب قرار می‌دهد به اینکه نهایت سعی و تلاش را در زندگی داشته باشد و به فکر ذخیره سازی برای دیگران نباشد و در برابر پروردگار فروتن بوده و خودبینی نوزد:

«**إِنَّ الْأَعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ، وَأَفَةُ الْأَبَابِ، فَاسِعٌ فِي كَدْحِكَ، وَلَا تَكُنْ خَازِنٌ لِغَيْرِكَ، وَإِذَا أَنْتَ هُدَيْتَ لَقَصْدِكَ فَكُنْ أَحْشَعَ مَا تَكُونُ لِرَبِّكَ**» (نامه ۳۱).

بدان که خودپسندی، خلاف راه صواب است و آفت خرد آدمی. سخت بکوش، ولی گنجور دیگران مباش. و چون راه خویش یافتی، به پیشگاه پروردگارت بیشتر خاشع باش. (دستی، ۱۳۸۵، ۵۲۹)

ایشان بار دیگر فرد را نصیحت می‌کند که از مرکب خودبینی فرود آید و همواره مرگ را در نظر داشته باشد. که گذرگاه انسان به سوی آخرت است و پاداش فرد بر اساس اعمالی است که انجام داده است. چنانچه در خطبه ۱۵۳





آمده است: « وَضَعَ فخرک، واحطط کبرک، واذکر قبرک، فانّ علیه ممرک، وکما تدينُ تدانُ وکما تزرعُ تحصدُ» (حکمت ۳۹۸).

خودبینی و خودپسندی سرانجام زشتی را به دنبال دارد، چرا که کمین‌گاه ابلیس و جایگاه حیله و نیرنگ است. امام (ع) نیز به شدت بشر را از این صفت مذموم بر حذر می‌دارد و در خطبه ی ۱۹۲ می‌فرماید:

« فَاَللّٰهُ اَللّٰهُ فِی عَاجِلِ الْبَغْیِ وَ سَوْءِ عَاقِبَةِ الْکِبْرِ، فَاِنَّهَا مَصِیْدَةٌ اِبْلِیْسَ الْعَظْمٰی، وَ مَکِیْدَتُهُ الْکِبْرِی » (خطبه ۱۹۲).

خدا را، بترسید از تبهکاری در این جهان و کیفر ستمگری در آن جهان، و از سرانجام بد خودخواهی و خودپسندی که دام بزرگ ابلیس است (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۸۱)

امام (ع) در حکمت ۴۵۴ انسان را مورد نکوهش قرار می‌دهد به اینکه وقتی بیندیشد که در آغاز نطفه‌ای گندیده و در پایان مرداری بدبوست روزی او به دست خداست و نمی‌تواند مرگ را از خود دور کند او را با فخر فروشی چه کار است؟

« مَا لِابْنِ اَدَمَ وَ الْفَخْرِ اَوَّلُهُ نَطْفَةٌ وَ اٰخِرُهُ جِیْفَةٌ، وَ لَا یَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا یدْفَعُ حَتْفَهُ » (حکمت ۴۵۴).

فرزند آدم را چه به فخر فروشی که آغازش آب گندیده و آخرش مردار است، نه روزی خود را می‌دهد، و نه مرگ را از خود می‌راند (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)

امام (ع) بدی که فرد را باز دارد بهتر از کار نیکی می‌داند که موجب خودبینی فرد شود.

لذا در حکمت ۴۶ بیان می‌کند:

« سَیِّئَةٌ تَسُوءُکَ خَیْرٌ عِنْدَ اَللّٰهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُکَ » (حکمت ۴۶).

گناهی که اندوهگینت سازد، نزد خدا بهتر از کاری است که به خود پسندی گرفتارت سازد. (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)

اگر فردی در بزرگی‌ها خود را همانند خداوند پندارد و خود را برابر با شکوه خداوندی بداند در این صورت خداوند او را خوار و بی‌ارزش می‌سازد امام (ع) در نامه ی ۵۳ بار دیگر از خودبینی بر حذر می‌دارد و بیان می‌دارد:

« اِیَّاکَ وَ مُسَامَاةَ اَللّٰهِ فِی عَظْمَتِهِ وَ التَّشْبَهَ فِی جَبْرُوْتِهِ فَاِنَّ اَللّٰهَ یُذِلُّ کُلَّ جَبَّارٍ، وَ یَهِنُ کُلَّ مُخْتَالٍ » (نامه ۵۳).

مبادا در بزرگی و عظمت خداوند با او همچشمی کنی و در جبروت و شکوه او به وی همانندی جویی که خداوند هر جباری را خوار می‌سازد و هر خودبینی را بی‌مقدار. (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)

در جای دیگر امام (ع) خودبینی را از بدترین عیب‌ها می‌شمارد: « الْکِبْرُ شَرُّ الْعِیُوبِ » (پیمانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۳۵۸).

قرآن کریم این صفت را مذمت کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

« تَلْکَ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِیْنَ لَا یرِیْدُوْنَ عِلْوًا فِی الْاَرْضِ وَ لَا فِسادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ » (قصص، ۸۳).

آن سرای واپسین را برای کسانی قرار دادیم که در زمین خواهان برتری و تباهی نیستند و آینده از آن پرهیزکاران است





پیامبر اکرم (ص) نیز فرد را از خودبینی باز می‌دارد و بیان می‌کند که خداوند فرد متکبر را دوست ندارد و او را در شمار گردن‌کشان به شمار می‌آورد:

«اجتَنُوا التَّكْبَرَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَزَالُ يَتَكَبَّرُ حَتَّى يَقُولَ اللَّهُ تَعَالَى أَكْتَبُوا عَبْدِي هَذَا فِي الْجَبَّارِينَ (پیمانی، ۱۳۸۵، ۲۰۵).

سعدی شیرازی نیز در ابیاتی به این مضمون اشاره دارد و فرد را به دوری از غرور و خودبینی فرا می‌خواند:

ز خاک آفریدت خداوند پاک
پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش
ز خاک آفریدت، آتش مباش
(استعلامی، ۱۳۶۵، ۷)

۲- تشویق به تواضع

حضرت علی (ع) در کنار امر به پرهیز از خودبینی و غرور به فروتنی تشویق می‌فرماید و فروتنی افراد توانگر در برابر مستمندان را نیکو می‌داند که در قبال آن پاداش الهی وجود دارد و همچنین فروتنی مستمندان در برابر توانگران را نیز می‌ستاید و در حکمت ۴۰۶ می‌فرماید:

«ما احسن تواضع الأغنياء للفقراء طلبا عند الله وأحسن منه تيه الفقراء على الأغنياء إتكالا على الله» (حکمت ۴۰۶).

چه زیباست فروتنی توانگران در برابر مستمندان، به خاطر رضای خدا، و چه زیبا تر است سرفرازی و بی‌اعتنائی تهیدستان در برابر ثروتمندان، به خاطر اعتماد و توکل بر خدا. (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۶۱)

و امام (ع) در حکمت ۱۱۳ فروتنی را بهترین خویشاوند فرد معرفی می‌کند:

«ولا حسبَ كالتواضع» (حکمت ۱۱۳). هیچ خویشاوندی مانند تواضع نیست. (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

آن حضرت در جای دیگر مقام رفعت و بلندی انسان را در این می‌داند که فروتن باشد:

«إتضع ترفع» (حکمت ۱۱۴). متواضع باش تا سربلند باشی. (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)

چنان‌که پیامبر اکرم (ص) مشابه همین مضمون را بیان می‌کند و بلندی منزلت انسان را در این می‌داند که فروتن باشد و خدا نیز در این صورت زمینه رفعت فرد را فراهم می‌کند:

«إنَّ التَّوَّاعِعَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَةً فَتَوَّاعِعُوا يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ» (پیمانی، ۱۳۸۵، ۲۱۳).





تواضع و فروتنی جز بلندی و رفعت مقام بر انسان نمی‌افزاید پس شما هم متواضع باشید تا خداوند شما را بلند مقام سازد. (دستی، ۱۳۸۵: ۲۵۶)

اگر انسان فروتنی داشته باشد دچار خودبینی و غرور نمی‌شود. امام (ع) نیز اشاره می‌کند به اینکه اگر انسان فروتنی داشته باشد مخالف خودبینی و غرور می‌گردد:
«ضادُوا الْكِبْرَ بِالتَّوَّاضُعِ» (محلّاتی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۵۴۲).

پیامبر (ص) یکی از نشانه‌های افراد زاهد را فروتن بودن ذکر می‌کند و یاد آور می‌شود که اگر شخص فروتنی نداشته باشد زاهد واقعی نیست:
«لَا تَكُونُ زَاهِدًا حَتَّى تَكُونَ مُتَوَاضِعًا» (پیمانی، ۱۳۸۵، ۲۱۴).

۳- خصوصیات افراد متکبر

یکی از خصوصیات که امام (ع) برای این افراد ذکر می‌کند این است که:
الف: افراد متکبر سرکش هستند و دلیل آن را ستایش‌های بی اندازه در قبال فرد متکبر می‌باشد:
«وَأَلْصِقَ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدِّقِ ثُمَّ رُضِبَهُمْ عَلَىٰ أَلَّا يُطْرُقَ وَ لَا يَبْجُحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تَحْدُثُ الزَّهْوَ وَ تَدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ» (نامه ۵۳)

به پرهیزگاران و راست گویان بپیوند، سپس، از آنان بخواه که تو را فراوان نستانند و به باطلی که مرتکب آن نشده ای، شادمانت ندارند، زیرا ستایش آمیخته به تملق، سبب خودپسندی شود و آدمی را به سرکشی وادارد (دستی، ۱۳۸۵: ۴۰۷).

ب: امام (ع) در خطبه ی ۱۰۳ خصوصیت دیگر این افراد را در خود بزرگ بینی می‌داند و دلیل آن را فریفته شدن به زیبایی‌ها و شگفتی‌های دنیا می‌داند:
«فَلَا يَغْرَنَكُم كَثْرَةُ مَا يَعْجَبُكُمْ فِيهَا لَقَلَّةُ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا» (خطبه ۱۰۳).

شگفتی‌های فراوان دنیا شما را نفریبد؛ زیرا اندکی از آن را با خود می‌برید. (دستی، ۱۳۸۵: ۳۹۵)

ج: امام (ع) در جای دیگر ویژگی افراد متکبر را در کوچکی و خوار بودن بیان می‌کند و می‌فرماید:
«كُلُّ مُتَكَبِّرٍ حَقِيرٌ» (محلّاتی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۳۶۱).

د: خصوصیت دیگری که امام برای افراد متکبر یادآور می‌شود این است که این‌ها دوست و یابوری ندارند لذا می‌فرماید:

«لَيْسَ لِمُتَكَبِّرٍ صَدِيقٌ»

این افراد نه تنها دوستی ندارند بلکه مردم هم از آن‌ها نفرت دارند (همان). آدم‌های متکبر و مغرور، فرومایه و گم نام هستند. امام (ع) می‌فرماید:





« لا یتکبرُ الاّ و ضیع خاملٌ » (همان، ۳۶۳).

۴- خصوصیات افراد فروتن

امام علی (ع) خصوصیات افراد فروتن را یاد آور می‌شود که:

الف: خضوع و فروتنی افراد فروتن نباید به خاطر نیاز باشد چنانچه که در نامه ۳۱ می‌فرماید:

« ما أقبح الخُضوعِ عندَ الحاجّةِ » (نامه ۳۱). چه زشت است فروتنی شخص خاضع در هنگام نیاز (دستی،

۴۰۹:۱۳۸۵)

ب: ویژگی دیگری که امام در خطبه ی ۱۹۲ برای افراد فروتن ذکر می‌کند که از آن جمله می‌توان پیامبران و

امامان را نام برد اینکه چهره بر زمین می‌گذارند و صورت‌ها بر خاک می‌مالند و در برابر مؤمنان فروتن هستند:

« فألصقوا بالأرض خدودهم، و عفروا فی التراب و جوههم. و خفضوا أجنحتهم للمؤمنین » (خطبه ۱۹۲).

پیامبران گونه‌ها را بر زمین می‌گذارند و صورت‌ها را بر خاک می‌سائیدند، و پر و بال خویشتن را برای مؤمنان می‌

گسترانیدند (دستی، ۱۳۸۵: ۴۱۸)

ج: امام علی (ع) در حکمت ۳۳۳ و در نامه ۴۶ گشاده رو بودن با مردم و از کسی در خواست نکردن (بیش از حد نیاز)

و نرم خو بودن در بر خورد با دیگران را از دیگر صفات افراد فروتن می‌داند و می‌فرماید:

« المؤمنُ ضنینٌ بخَلَّةٍ وَ سهلٌ الخلیقةِ » (نامه ۴۶).

« و ابسط لهم وجهک و ألن لهم جانبک » (نامه ۴۶).

د: خداوند در قرآن عالم بودن را خصوصیت افراد فروتن می‌داند.

« إنّما یخشی الله من عباده العلماء » (فاطر، ۲۸).

ه: امام صادق (ع) خصوصیت فرد فروتن را در این می‌داند که به نشستن در پایین مجلسی راضی شود و با هر کسی

رو به رو شد سلام کند، نزاع و مجادله را ترک کند گر چه حق با فرد باشد و دوستی نداشته باشد که به خاطر تقوایی

که دارد او را ستایش کند (کلینی رازی، بی تا، ۱۰۰).

۵- اثرات و عاقبت خودبینی

این صفت خطرناک، آثار بسیار زیانباری بر روح و روان و اعتقادات و افکار آدمی دارد به گونه ای که تمام زوایای

زندگی فردی و اجتماعی را زیر پوشش می‌گیرد و هیچ بخشی از خطر آن درامان نیست. امام علی (ع) در مواردی به

ذکر اثرات و عواقبی که خودبینی و غرور بر جان و روان آدمی می‌گذارد را بیان می‌کند

الف: یکی از عواقب آن را رشد بغض و کینه و وسوسه های شیطانی می‌داند که باعث فریب و هلاکت امت‌ها و ملت-

های پیشین و ایجاد تضاد و خون ریزی و تنگ شدن سینه‌ها می‌گردد. لذا در خطبه ی ۱۹۲ می‌فرماید:





« فَاَللهُ اللهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَايِحُ مَنَافِحُ الشَّيْطَانِ، الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةَ. » (خطبه ۱۹۲).

خدا را! خدا را! از کبر تعصب آمیز و تفاخر جاهلی، که آن مرکز پرورش کینه و جایگاه وسوسه های شیطان است که ملت های پیشین و امت های قرون گذشته را فریفته است. (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۲۱)

از مواردی که باید در زمینه ی خودبینی افراد درس عبرت گرفت عاقبت شیطان است؛ چرا که خداوند اعمال فراوان و کوشش های مداوم او را نابود کرد و هم چنین عبادت شش هزار ساله ی شیطان را به خاطر خودبینی از میان برد لذا امام (ع) در خطبه ی ۱۹۲ می فرماید:

« فَاَعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فَعَلِ اللهِ بِابْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ، وَ جَهْدَهُ الْجَهِيْدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللهُ سِتَّةَ أَلْفِ سَنَةٍ يَدْرِي مِنْ سَنِي الدُّنْيَا مِنْ سَنِي الْآخِرَةِ، عَنْ كِبَرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ » (خطبه ۱۹۲)

پند و عبرت گیرید به آنچه خداوند با ابلیس رفتار کرد، در آن هنگام که اعمال و عبادات طولانی و تلاش و کوشش های او را که شش هزار سال بندگی خدا کرده بود در دنیا و آخرت به خاطر ساعتی تکبر ورزیدن بر باد داد (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۲۵)

ب- پس یکی دیگر از آثار خودبینی را می توان ذلت و خواری متکبر در نزد خدا و مردم دانست.

امام (ع) در نامه ۲۱ به این مطلب اشاره دارد که خداوند هیچ گاه پاداشی که برای فروتنان اعمال می کند در حق متکبران نمی دهد:

« أَرْجُو أَنْ يُعْطِيكَ اللهُ أَجْرَ الْمُتَوَاضِعِينَ وَ أَنْتَ عِنْدَهُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ » ((نامه ۲۱)).

امام (ع) بار دیگر عاقبت خودبینی و غرور شیطان را به انسان گوشزد می کند .

و هم چنین در خطبه ی ۱۹۲ چنین می فرماید:

إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا ابْنَ بِلْسَ، اغْتَرَضَتْهُ الْحَمِيَّةُ، فَافْتَخَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ؛ فَعَدُوُّ اللهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصْبِيَّةِ وَ نَازَعَ اللهُ رِذَاءَ الْجَبْرِيَّةِ وَ أَدْرَعَ لِبَاسَ التَّعَزُّزِ وَ خَلَعَ فِنَاعَ التَّذَلُّلِ. أَلَا أَيْرُونَ تَرَوْنَ كَيْفَ صَغَّرَهُ اللهُ بِتَكْبَرِهِ وَ وَضَعَهُ بِتَرْفُّعِهِ، فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَدْحُورًا وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعِيرًا.

« شیطان بر آدم به خاطر خلقت او از خاک، فخر فروخت و با تکیه به اصل خود که از آتش است دچار تعصب و غرور شد. پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب ها و سر سلسله ی متکبران است. که اساس عصبیت را بنا نهاد و بر لباس کبریاپی و عظمت با خدا در افتاد، لباس بزرگی را برتن پوشید و پوشش فروتنی و فروتنی را از تن در آورد و خداوند به خاطر خود بزرگ بینی، او را کوچک ساخت. و به جهت بلند پروازی او را پست و خوار گردانید پس او را در دنیا طرد شده قرار داد و آتش جهنم را در قیامت برای او مهیا کرد»

ج: پس جایگاه جهنم سوزان برای افراد متکبر از دیگر اثرات غرور و خودبینی است (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۰۵)





خداوند در قرآن در زمینه‌ی عاقبت غرور می‌فرماید:

« قَالَ يَا مَعْكَا لَا تَسْجُدُوا إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ » (اعراف، ۱۲).

چه چیز تو را مانع از سجده (آدم) شد که چون تو را امر کردم نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم، که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای.

انسانی که دچار خودبینی و غرور شده پند و نصیحت در او تأثیر گذار نیست بنابراین خودبینی پرده میان انسان و پند پذیری است. امام (ع) در حکمت ۲۸۲ به این مطلب اشاره می‌کند:

« بینکم و بین الموعظة حجاب من الغرّة » (حکمت ۲۸۲).

۶- اثرات و ارزش فروتنی

امام علی (ع) با بیان اثرات و عواقبی که خودبینی به دنبال دارد به ذکر ارزش و اثرات فروتنی و برکات دنیوی و اخروی آن پرداخته است. در خطبه ی ۹۱ به فروتنی فرشتگان اشاره می‌کند و دلیل اینکه مورد رحمت و یاری خداوند قرار گرفته و از راه حق منحرف نشده‌اند این است که در دل هایشان پوششی از فروتنی و وقار هست و با این وجود خداوند در های آسمان را برایشان گشوده و راه ها را به آنان نشان داده تا به سوی توحید او بال بگشایند:

« فما منهم زائغ عن سبیل مرضاته. و أمدهم بفوائد المعونة، وأشعر قلوبهم تواضع إخبات السکينة و فتح

لهم ابواباً ذللاً إلى تماجیده، و نصب لهم مناراً واضحةً علی اعلام توحیده (خطبه ۹۱)

پس هیچ یک از آنان از راه رضای حق سر نگشند، خدا نیز (در طاعت) به آنان یاری و کمک کرد، شعاع تواضع و وقار و فورتنی را بر دل هایشان قرار داد، درهای سپاس‌گزاری را به آسانی به روی ایشان بگشود، پرچم‌های نور افشاری بر نشانه‌های یکتایی خود را در میان ایشان بر پا نمود (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۲۵)

الف: پس مورد رحمت و یاری خداوند قرار گرفتن یکی از اثرات فروتنی است (همان، ۱۱۵).

ب: اثر دیگری که می‌توان برای فروتنی بر شمرده این است که فروتنی و فروتنی سبب فزونی نعمت می‌گردد. امام (ع) در حکمت ۲۲۴ می‌فرماید « بالتواضع تتم النعمة » (حکمت ۲۲۴).

با توجه به خطبه ی ۱۹۲ امام علی (ع) ارزش فروتنی را به حدی می‌داند که خداوند فلسفه‌ی عبادات را دلیلی برای ایجاد فروتنی و خشوع قرار داده از جمله روزه و نماز که این‌ها سبب می‌شود دیدگان خاضع و روان‌ها فروتن و دل‌ها فروتن شوند خودبینی و خودپسندی در افراد از بین برود چرا که در سجده بهترین جای صورت بر خاک مالیدن فروتنی می‌آورد و گذاشتن اعضای پر ارزش بدن بر روی زمین اظهار کوچکی کردن است و هم چنین روزه گرفتن که سبب چسبیدن شکم به پشت می‌شود عامل فروتنی است.

ج: بنابراین یکی از فلسفه‌ی عبادات و مورد قبول واقع شدن آن‌ها ایجاد فروتنی و فروتنی در انسان است که شاخه‌های درخت خودبینی شکسته می‌شود و از روییدن خودبینی و غرور جلوگیری می‌کند. (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۸۱)

امام علی (ع) در جایی دیگر،





د: اثر فروتنی را در رام شدن مردم در مقابل فرد فروتن بیان می‌کند و می‌فرماید:

« من خضع لعظمة الله ذلت له الرقاب » (مجلات، ۱۳۸۴، ج ۱، ۳۲۳).

م: امام نیز، فروتنی را یکی از بهترین عبادات بر می‌شمارد.

« لا عبادة كالتواضع » (حکمت ۲۲۴).

ن: امام (ع) زکات شرف و بزرگی فرد را در این می‌داند که فروتن و فروتن باشد:

« التواضع زكاة الشرف » (حکمت ۲۲۵).

امام صادق (ع) نیز در اصول کافی بیان می‌کند که دو فرشته بر انسان گماشته می‌شود که فرد فروتن را بالا می‌برند و فرد متکبر را خوارش می‌سازند:

« ان في السماء ملكين موكلين بالعباد فمن فروتنى لله رفعا ومنخودبيني وضعاه »

ه: پس فروتنی سبب رفعت و بلندی می‌شود (کلینی رازی، بی تا، ج ۲، ۱۲۲).

پیامبر اکرم (ص) در زمینه‌ی سربلندی و بزرگی مقام می‌فرماید:

« إن التواضع لا يزيد العبد الا رفعة فتواضعوا يرفعكم الله »

تواضع و فروتنی جز بزرگی بر انسان نمی‌افزاید پس فروتنی کنید تا خداوند شما را بلند مقام گرداند (نوری، ۱۴۰۹، ج ۷، ۱۶۰).

پیامبر (ص) در جایی دیگر اثر فروتنی را در برتری بندگی می‌داند و بهترین مردم را کسانی می‌داند که با وجود برتری مقام، فروتنی کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۱).

سعدی شیرازی نیز در این زمینه می‌سراید:

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت

(استعلامی، ۱۳۶۵، ۸)

۷- راه های مبارزه با خودبینی و غرور

برای مبارزه با این صفت ناپسند اخلاقی اگر:

الف: عظمت و کبریاپی خداوند را در نظر داشته باشیم و بدانیم که در محضر خدای بزرگ جایی برای بزرگی کردن بنده ای ناچیز و بی مقدار که حتی اختیار تنفس خود را نیز ندارد، نیست. امام علی (ع) در نامه ی ۵۳ خود به مالک اشتر چنین می‌فرماید:





و اذا احدث لك ما انت فيه من سلطانك ابهه او مخيله، فانظر الي عظم ملك الله فوقك و قدرته منك علي ما لا تقدر عليه من نفسك، فان ذلك يطامن من طماحك و يكف عنك من غربك و يفيء اليك بما عزب عنك من عقلك (نامه ۵۳)

و اگر از قدرتی که از آن بر خورداری، نخوتی در تو پدید آورد و خود را بزرگ شماری، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر که چیست و قدرتی را که بر تو دارد و تو را بر خود آن قدرت نیست، که چنین نگرستن، سر کشی تو را می خواباند و خرد رفته ات را به جای باز می گرداند (دشتی، ۱۳۸۵، ۴۰۵).

ب: به عاقبت کار متکبران بیندیشیم که چگونه در همین دنیا خوار و ذلیل می شوند. امام علی (ع) در این باره در ۵۳ به مالک اشتر توصیه می کند:

« ایتاک و مساوات الله فی عظمته و التشبه به فی جبروته، فإن الله يذل كل جبارٍ و يهين كل مختال » (نامه ۵۳)

بپرهیز که در بزرگی فروختن خدا را هم نبرد خوانی و در کبریا و عظمت، خود را همانند او دانی که خدا هر سر کشی را خوار می سازد و هر خود بینی را بی مقدار (دشتی، ۱۳۸۵، ۴۰۴)

ج: توجه داشته باشیم با رسیدن به یک مقام دنیوی و گرفتن یک پست چیزی به ارزش های فردی انسان افزوده نمی شود، بلکه فقط بار مسئولیت انسان سنگین تر می شود کسی که به سبب رسیدن به یک مقام دنیوی با دیگران برخوردی متکبرانه داشته باشد حماقت و نادانی خود را آشکار کرده است. امام علی (ع) می فرماید: « من اختال فی ولايته ابان عن حماقته » (محلّاتی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۲۰۹).

د: باید به کمبودها و ناتوانی های خود بیشتر توجه کرد. اگر انسان درکی واقع بینانه از خود داشته باشد هرگز دچار کبر و غرور نخواهد شد. به تعبیر زیبای امیرالمؤمنان (ع) در حکمت ۴۵۴ « پسر آدم را با خود بینی چه کار که آغازش نطفه بوده است و پایانش مردار. نه روزی خود را می تواند فراهم آورد و نه می تواند مرگ را از خود دور کند » (دشتی، ۱۳۸۵، ۵۲۹). خداوند نیز در قرآن کریم به انسان گوشزد می کند که تو را از خاک آفریدیم و در نهایت اجل و مرگ بر همه مسلط است « هو الّذی خلقکم من طین ثمّ قضی اجلاً و اجلٌ مسّی عنده ثمّ أنتم تمترون » (انعام، ۲).

نتیجه

تواضع از جمله صفات یک مؤمن است که خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین ترند برتر نداند و نیز به معنای شکسته نفسی و افتادگی است. اگر مسلمانی فروتن نباشد و دچار خودبینی و غرور گردد در این صورت دچار خودبرتربینی، خودخواهی شده و نمی تواند خدای خود را عبادت کند و اصل اول دین را به صورت عملی انجام دهد که در این صورت فرد گرفتار کیفر و عذاب می شود.





حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به بیان موضوعاتی بابخودبینی و فروتنی پرداخته است. ایشان مردم را به دوری از غرور و خودبینی فرا می‌خواند و خودبینی را آفت عقل و مخالف راستی می‌داند و آن را کمین گاه ابلیس و جایگاه حيله و نیرنگ بیان می‌کند و به شدت فرد را از این صفت مذموم برحذر می‌دارد. در مقابل فرد را به فروتنی و فروتنی تشویق می‌کند و آن را بهترین خویشاوند دانسته که باعث رفعت و بلندی مقام می‌شود. خصوصیات از جمله سرکش بودن، فریفته شدن، بدون دوست و یاور بودن و فرومایه و گم نام بودن را برای افراد متکبر ذکر می‌کند. و فروتنی، گشاده رو و نرم خو بودن در مقابل مردم را از خصوصیات افراد فروتن می‌داند. و اثرات و عواقب خودبینی را بر می‌شمارد که از آن جمله، رشد و کینه و وسوسه های شیطانی، هلاکت و نابودی، ذلت و خواری، تنگی سینه ها، جایگاه جهنم سوزان، عدم پند پذیری را نام برد. سپس اثرات و ارزش فروتنی از جمله: مورد رحمت و یاری قرار گرفتن، فزونی نعمت، قبولی عبادات، عامل سربلندی و بزرگی مقام فرد، برتری بندگی را یادآور می‌شود. در نهایت امام (ع) بیان می‌کند که اگر انسان حقیقت خویش و ضعف و ناتوانی خود را بشناسد و از طرفی عظمت و مقام والای خداوند را در نظر داشته باشد دست از خودبینی و غرور خواهد برداشت.





منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- استعلامی، محمد، ۱۳۶۵، بوستان سعدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم.
- امام علی (ع)، ۱۳۸۵، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، قم، چاپ ۴۰.
- امام علی (ع)، ۱۳۸۴، غررالحکم ودررالكلم آمدی، ج ۱، ترجمه: هاشم رسول محلاتی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ هفتم.
- پیامبر اکرم (ص)، ۱۳۸۵، نهج الفصاحه، ترجمه: عبدالرسول پیمانی، محمد امین شریعتی، انتشارات خاتم الانبیاء، اصفهان، چاپ دوم.
- کلینی رازی، ابی جعفر محمدبن یعقوب، بی تا، اصول کافی، ترجمه سید هاشم رسولی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
- مجلسی، شیخ محمدباقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، ج ۷۴، موسسه الوفا، بیروت.
- نوری، میرزا حسن، ۱۴۰۹، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل بیت احیاءالراث، بیروت، چاپ سوم.

